رجوع کل قرآن کریم به بسائط حروف مقطعه به وزان تکوینی

شاگرد: نکته‌ای که هست این است که اگر حضرت این را می‌فرمودند و باز بر اساس ظرفیت و ضعف بشر به صورت واحد نازل می شد، باز هم با این الفاظ نازل می‌شد؟

استاد: نکته این است که اساساً حرف ابو فاخته این است: خدا چه کار کرده که الآن می‌تواند این توسعه ها را بدهد؟ اصل کار این بود. حرف ابو فاخته کلید مهمی است. قبلاً هم عرض کرده‌ام. اختصاصی که قرآن دارد و به تحدی آن مربوط می‌شود و به سؤال شما مربوط می‌شود این است: اساساً قرآن بین تراکیب و بسائط رابطه برقرار کرده. یعنی می‌گوید عالم مرکبات است، اگر به مرکبات فکر کنید به بسائط بر می‌گردید. قرآن شامل همه عالم است از طریق تحلیل مرکبات عوالم به بسائط. خب چطور این را فرموده؟ با حروف مقطعه. حتی شیعه و سنی گفته‌اند. وقتی انبیاء سابق می‌خواستند ختم نبوت را بشارت بدهند می‌گفتند «ایتی بکتاب یالحروف المقطعه». حروف مقطعه یعنی چه؟ یعنی به شما می‌گوید کلام را نگاه کنید. من که الآن حرف می‌زنم معانی‌ای را می‌فهمید و می‌روید اما اگر تحلیل کنید، کلام مرکب از کلمات است. کلمات مرکب از حروف است، اما خود حروف بسیط است. دیگر حروف از چیزی مرکب نیست.

وقتی می‌خواهید عالم را تدوین کنید، عالم خودش مرکباتی است که وقتی می‌خواهید آنها را تحلیل کنید به بسائط بر می‌گردد. قرآن شروع می‌کند از بسائط عالم نام می‌برد و بعد می‌گوید حالا این بسائط را که دیدی آنها را ترکیب کن. برو جلو. لذا حضرت فرمودند «ولو أتاكم من يخبركم عن ذلك لتعجبتم[1]»؛ فرمودند همه چیز –ریز و درشت- عالم در قرآن است. اگر کسی به شما نشان بدهد تعجب می‌کنید. روایت در کافی شریف بود. پس خداوند با قرآن کاری کرده که بعداً می‌تواند این تخفیف ها را بدهد. خیلی عالی است. یعنی این تخفیف ها بی حکمت نیست. قرآن می‌توانست طوری باشد که مجاز نباشیم. اما ریخت قرآن طوری است که این‌ها را سامان می‌دهد.

خدا استادی را رحمت کند. شاید دهها بار حاج آقای حسن زاده این را در درس می‌فرمودند؛ این حدیث برای ایشان خیلی لذت‌بخش بود. می‌گفتند حدیث دارد که قرآن کریم که تا روز قیامت چند تفسیر نوشته می‌شود، چند عالم از آن بحث می‌کنند، چه وجوهی که دارد، می‌گفتند روایت دارد که فردای قیامت بعد از این همه تفاسیر و بحث‌هایی که شده، وقتی قرآن کریم در صورت اصلی خودش وارد صحنه قیامت می‌شود و اهل محشر او را می‌بینند، که در روایت کافی هست که همه شهدا وقتی آن را می‌بینند می‌گویند این کدام شهید است که از همه ما بالاتر است؟ انبیا می‌گویند این کدام نبی است که از همه ما بالاتر است؟ بعد خطاب می‌آید که این قرآن است. در روایت کافی هست.

حاج آقای حسن زاده می‌فرمودند در روایت است که وقتی قرآن وارد می‌شود اهل محشر می‌بینند که هنوز قرآن بکر است. یعنی دست نخورده است. یعنی احدی نتوانسته به ساحت او راه پیدا کند.«ال

يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ[2]»؛ یک طهری می خواستهٔ که فقط تنها کسانی که ثقلین هستند، سکه یک رو هستند، جوهره خودشان با او یکی است می‌فهمند.

شاگرد: منظور شما حقیقت قرآن است یا همین عبارات و الفاظ؟

استاد: این عبارات نزول آن حقیقت است. این‌ها مطالبی است که قبلاً صحبت شده. آیه می‌فرماید «وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنا خَزائِنُهُ وَ ما نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ[3]»، قرآن شیء هست یا نیست؟ خب پس یکی از اشیاء هم خود قرآن است. یعنی قرآن هم «عندنا خزائنه و ما ننزله الا بقدر». الفاظ که عرض می کردم در کف طبیعت شخصیه؛ که طبیعت شخصیه من. چون طبیعت شخصیه برای قوس صعود است که بعداً عرض می‌کنم. در کف قوس نزولش هویت شخصیتی است. هویت شخصی با هویت شخصیتی تفاوت دارد. در چنین فضایی کف نزول به هویت شخصیتی پسین می‌رسد. اینجا در قوس نزول است. بله، در قوس صعود هویت شخصی هم داریم که قبلا صحبتش شد.

وقتی شما در این فضا نگاه می‌کنید، می‌بینید می‌فرمایند «ننزله». یعنی قرآن کریم بر قلب مبارک حضرت که نازل می‌شود و بیت المأمور و بعد از آن که در روایت دارد، هر کدامش یک ظهوری دارد. در همین کف که ظهور دارد ابوفاخته به ما گفته «منها یستخرج القرآن». شما در این مرتبه نزول می‌توانید کل قرآن را با احرف سبعه آن، از حروف مقطعه استخراج کنید. چطور استخراج می‌کنید؟ قبلاً من انواع استخراج ها را بحث کرده بودم. فایل های آن موجود است. شما می‌توانید به نحوی استخراج کنید که طبق ضابطه علم الله تعالی هنوز برای ما نیامده. یعنی پیامبر اصل آن را فرموده‌اند، مبادی آن در دست همه ما هست اما علم به آن رمز استخراج نزد شما نیست.

شاگرد: در عصر خودمان هم داریم. یکی از آقایان می‌گفت قرآنش قرآن ما است من دیده ام . به خاطر ترک یکی از گناهان اینطور دیده بود.

استاد: مانعی ندارد. حاج آقا کربلایی کاظم را می‌فرمودند. دیگران هم دارند. حاج زیاد از او نقل می‌کردند. می‌گفتند کسانی بودند که مکاسب ما طلبه‌ها را می‌گرفتند. خط طاهر خوشنویس؛ مکاسب های قدیمی بزرگ است و خط‌های پهن ورزی دارد. حاج آقا می‌فرمودند وقتی مکاسب را جلوی کربلائی کاظم باز می‌کردند –سواد نداشت، آن هم یک صفحه بلندی را باز می‌کردند- انگشتش را می‌آورد و می‌گفت اینجا تا اینجا آیه قرآن است. بعد به او می‌گفتند از کجا می‌گویی؟ می‌گفت یک نوری دارد که سائر کلمات صفحه ندارد.

ای آن «کور هستی؟!» را که حاج آقا زیاد می‌گفتند. متأسفانه در یکی از کتابها بد پیاده شده است. در یکی از کتابها آورده‌اند که من جوان بودم و می‌خواستم سر به سر او بگذارم. درحالی که این اصلاً برای حاج آقا نیست. در اینجا مسامحه شده. حاج آقا می‌فرمودند آن آقا می‌گفت. بعد شروع به حکایت کردن می‌کردند که آن آقا می‌گفت جوان بودم. نه اینکه خود حاج آقا می‌فرمودند. زیاد فرموده بودند. می‌گفتند آن آقا می‌گفت جوان بودم، در محل ما گیلان پیرمردی بود که کور بود. شاید هم فرمودند کور مادرزاد بودند. می‌گفت مصحف به دست او می‌دادیم و مصحف شریف را می‌گرفت. می‌گفتیم فلان آیه را می‌خواهیم. می‌گفتند همین جور باز می‌کرد و گاهی یکی-دو ورق هم می‌زد. بعد می‌گفت بیا. آیه را نشان می‌داد. بعد حاج آقا می‌فرمودند آن آقا می‌گفت من جوان بودم و می‌خواستم سر به سر او بگذارم. به او گفتم فلان آیه را نشان بده. او هم باز کرد و ورق زد و گفت بیا. گفتم دیدی اشتباه کردی! درحالی‌که درست بود. به تعبیری که حاج آقا می‌فرمودند، می‌گفت راه اثبات که ندارد. چطور به من بگوید؟ من هم می‌خواستم سر به سر او بگذارم. به او گفتم دیدی اشتباه کردی؟! حاج آقا می‌فرمودند بدون اینکه ذره ای تردید کند، گفت: کور هستی نمی‌بینی؟! یعنی به من نگو کور.

[1] الكافي (ط - الإسلامية)، ج2، ص: ۵۹۹؛ عن سماعة بن مهران قال قال أبو عبد الله ع إن العزيز الجبار أنزل عليكم كتابه و هو الصادق البار فيه خبركم و خبر من قبلكم و خبر من بعدكم و خبر السماء و الأرض و لو أتاكم من يخبركم عن ذلك لتعجبتم.

[2]الواقعه۷۹

[3]الحجر ۲۱

بازبینی #2
ایجاد شده 9 آوریل 2024 14:18:18 توسط ... .
به روزرسانی شده 20 مه 2024 16:46:14 توسط ... .